

دولت توسعه‌گرای لولا داسیلوا (۲۰۰۳-۲۰۱۱) و شاخص توسعه انسانی در برزیل

احمد ساعی^۱، عبدالرضا سیفی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

چکیده

برزیل به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور امریکای لاتین و پنجمین کشور وسیع جهان، کمتر از نیمی از وسعت امریکای جنوبی را به خود اختصاص داده است. اقتصاد برزیل در سال‌های اخیر با رشد و توسعه قابل‌توجهی مواجه بوده و در سال ۲۰۱۷ به هشتمین اقتصاد برتر جهان تبدیل شده است. این کشور با پشت سر گذاشتن دوران پرفرازونشیب سیاسی و اقتصادی، امروز به‌عنوان یکی از قدرت‌های نوظهور جهانی شناخته می‌شود و می‌کوشد در مناسبات سیاسی جهان نقش مؤثری ایفا کند. پس از جنگ جهانی دوم و طی حضور دولت‌های مختلف، روند نسبی توسعه در برزیل وجود داشته است؛ اما در سال‌های اخیر و پس از روی کار آمدن لولا داسیلوا، توسعه در این کشور با تحولی اساسی مواجه شد و این کشور توانسته است بر بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه خود مانند فقر، سطح پایین سواد، شکاف طبقاتی، بیکاری و... فائق آید. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به‌دنبال پاسخ به این سؤال است: دولت توسعه‌گرای لولا داسیلوا چه تأثیری بر شاخص توسعه انسانی در برزیل داشته است؟ در این مقاله با استفاده از داده‌های مختلف آماری مشخص می‌گردد که لولا داسیلوا با ایجاد یک دولت توسعه‌گرا و اتخاذ سیاست‌های راهبردی مانند برنامه کم‌هزینه خانواده، برنامه مبارزه با گرسنگی، برنامه رشد پرشتاب توانست در دوران ریاست جمهوری هشت‌ساله (۲۰۰۳-۲۰۱۱) خود شاخص توسعه انسانی در برزیل را به میزان مشهودی ارتقا دهد. در نتیجه سیاست‌های هشت‌ساله دولت لولا، بیست میلیون برزیلی از زیر خط فقر خارج شد؛ سن امید به زندگی ۳/۲۷ واحد رشد یافت؛ تولید ناخالص داخلی برزیل به رقم ۲۶۱۶۰۰۰ میلیارد دلاری یعنی بالاترین میزان در طول تاریخ این کشور رسید و شاخص توسعه انسانی برزیل با رشد ۰/۰۳۶ واحدی برای اولین بار این کشور را در ردیف کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار داده است.

واژگان کلیدی: توسعه؛ دولت توسعه‌گرا؛ برزیل؛ شاخص توسعه انسانی؛ لولا داسیلوا

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات، واحد تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات

۱- مقدمه

برزیل با مساحت ۸،۵۱۵،۷۶۷ میلیون کیلومتر مربع، پنجمین کشور وسیع جهان و بزرگ‌ترین کشور آمریکای لاتین است و کمتر از نیمی از وسعت آمریکای جنوبی را به خود اختصاص داده است. این کشور با تمام کشورهای آمریکای جنوبی به جز شیلی و اکوادور مرز مشترک دارد. اگر آلاسکا را از کشور آمریکا جدا کنیم، وسعت برزیل تقریباً با آن برابر خواهد شد. این کشور همچنین با جمعیت ۲۱۳،۱۱۷،۶۲۱ نفری ششمین کشور پرجمعیت جهان است (worldometers, 2020). اقتصاد برزیل در سال‌های اخیر با رشد و توسعه قابل توجهی مواجه بوده و امروزه این کشور به یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی تبدیل شده است. براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول برزیل در سال ۲۰۱۷ با تولید ناخالص داخلی ۲،۰۵۴،۹۶۹ میلیون دلار هشتمین اقتصاد برتر جهان بوده است (imf, 2018). تبدیل شدن برزیل از یک کشور بدهکار که بخش زیادی از جمعیت آن در زیر خط فقر زندگی می‌کرده‌اند، به هشتمین اقتصاد برتر جهان و یکی از قدرت‌های سیاسی‌ای که ادعای عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل و بهره‌مندی از حق وتو دارد، توجه تحلیلگران سیاسی را به نقش و کارکرد دولت در برزیل و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی این کشور جلب کرده است. از سال‌های پس از جنگ جهانی دوم که موضوع توسعه به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت، توسعه در برزیل دوره‌های مختلف متعدد و پُر فراز و فرودی را تجربه کرده است. تاریخ معاصر برزیل دوره‌های مختلفی از روی کار آمدن دولت‌های مختلف توسعه‌گرا، اقتدارگرا، اقتدارگرایی دموکراتیک و... را تجربه کرده است. هر کدام از این نوع دولت‌ها تأثیر مختلفی بر فرایند توسعه برزیل داشته‌اند. در این مقاله با معیار قراردادن شاخص توسعه انسانی^۱، با روش تحلیلی - توصیفی به این سؤال پاسخ داده می‌شود: دولت توسعه‌گرای لولا داسیلوا چه تأثیری بر شاخص توسعه انسانی در برزیل داشته است؟ فرضیه این مقاله این است که لولا داسیلوا با ایجاد یک دولت توسعه‌گرا و اتخاذ سیاست‌های راهبردی مانند برنامه کمک‌هزینه خانواده، برنامه مبارزه با گرسنگی، برنامه رشد پرشتاب توانسته است در دوران ریاست جمهوری هشت‌ساله (۲۰۰۳-۲۰۱۱) خود شاخص توسعه انسانی در برزیل را به میزان مشهودی ارتقا دهد.

با بررسی آثار پیشین در این حوزه به چند اثر می‌توان اشاره کرد: اولین اثر مقاله خانم سعیده خادم‌المله با عنوان «بررسی عوامل تبدیل برزیل به یک قدرت نوظهور اقتصادی» منتشر شده در شماره زمستان ۱۳۹۱ فصلنامه سیاست خارجی است. ایشان در مقاله یادشده فقط به روند جهش اخیر برزیل به‌عنوان یک اقتصاد نوظهور پرداخته‌اند. مقالات دیگر با عنوان «اقتصاد سیاسی توسعه و دموکراسی در برزیل (۲۰۱۱-۱۹۶۰)» به قلم حسین جمالی و مقاله «تأثیر سیاست‌های نولیبرالیستی و نومرکانتیلیستی در توسعه اقتصادی برزیل (۲۰۱۶-۱۹۸۵)» به قلم هادی آجیلی و مهدی رضایی است که به ترتیب در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ در فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای و فصلنامه راهبرد توسعه منتشر شده است. مقالات یادشده، هم از نظر دوره بررسی شده، موضوع مقاله و چارچوب نظری با اثر حاضر متفاوت است. در واقع هیچ‌کدام از مقالات یادشده به موضوع تأثیر دولت توسعه‌گرای لولا داسیلوا در بازه زمانی (۲۰۰۳-۲۰۱۱) بر شاخص توسعه انسانی برزیل نپرداخته‌اند.

¹ Human Development Index

۲- چارچوب نظری

۱-۲ دولت توسعه‌گر

پس از جنگ جهانی دوم، توسعه به یکی از موضوعات مهم مورد توجه کشورها تبدیل شد. به‌طور کلی، اصطلاح توسعه از تفکر توسعه‌ مدرن بعد از جنگ و در طول سال‌های جنگ سرد رایج شده است. در لغت‌نامه دهخدا درباره توسعه چنین آمده است: الف) گشادکردن، فراخ‌کردن، وسعت‌دادن؛ ب) گشادی، فراخی؛ ج) ترقی، پیشرفت. در لغت‌نامه عمید توسعه را به فراخی و گشادگی معنی کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۹۰؛ عمید، ۱۳۹۴). واژه توسعه معادل کلمه انگلیسی **Development** است که مشتق از واژه **Develope** به معنای رشد و گسترش تدریجی و نمود و تطوریافتن، آشکارشدن و از پوسته و غلاف درآمدن است (جهانیان، ۱۳۷۷: ۱۱۰)؛ توسعه تحول‌نهادها و ساختارهای جامعه از مادی و غیرمادی به‌شیوه‌ای که توان و گنجایش بالقوه جامعه به‌صورت بالفعل درآید و استعدادهای سیاسی و فرهنگی آن نیز از هر جهت بارور و شکوفا شود (سوری و خیشوند، ۱۳۸۲: ۵۸). به‌طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه‌بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در بردارد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی - اداری و همچنین ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید عموم مردم را نیز دربرمی‌گیرد (فلاح، ۱۳۷۶: ۶۶). نظریه دولت توسعه‌گرا، یکی از جدی‌ترین و اساسی‌ترین نظریه‌های مطالعات توسعه است. این انگاره با تأکید بر نقش محوری دولت در اقتصاد و فرایند توسعه شکل گرفته است (عباسی، ۱۳۸۵: ۲۱۷). مسئله نقش دولت در فرایند توسعه کشورها و میزان تأثیرگذاری آن بر موفقیت برنامه‌های توسعه‌ای همواره موضوعی مهم و مورد مناقشه در میان اندیشمندان توسعه بوده است. تجربه‌های عملی در نوسازی کشورها، پارادایم فکری مسلط در میان نخبگان، برنامه‌های پیشنهادی نهادهای بین‌المللی و... سبب شده است کشورهای مختلف براساس تشخیص رهبران خود نقش و جایگاه متفاوتی را برای دولت در توسعه تعریف کنند.

جامعه بین‌المللی به رهبری صندوق بین‌المللی پول^۱ و بانک جهانی، بسته‌ای از سیاست‌ها را تشویق می‌کرد که به‌مرور با عنوان اجماع واشنگتنی^۲ معروف شد. محور این سیاست‌ها اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری با هدف کاهش اندازه و گستره دخالت دولت بود؛ اما توصیه‌های اجماع واشنگتنی نیز برای برخی کشورهای درحال توسعه، به‌ویژه در امریکای لاتین، نتایج نامطلوبی داشت و نتایج سیاست‌های تعدیل، انتقاداتی را متوجه این دیدگاه کرد؛ بنابراین از اوایل دهه ۱۹۹۰، تغییری در نوع نگاه به جایگاه دولت ایجاد شد. ظهور این دیدگاه عمدتاً ناشی از موفقیت برخی تجربه‌های توسعه‌ای بود که در شرق آسیا و با محوریت دولت به وقوع پیوسته بود. برخی کشورهای این منطقه که به بره‌های آسیا معروف شدند، رشد سریع اقتصادی و حرکت از جامعه‌ای عمدتاً کشاورزی در دهه ۱۹۶۰ به تولیدکنندگان فناوری‌های مدرن و کالاهای باارزش افزوده بالا در دهه ۱۹۹۰ را تجربه کردند (موثقی و کاهه، ۱۳۹۴: ۹۷۰). درواقع در ظهور و گسترش نظریه دولت

¹ IMF -- International Monetary Fund

² Washington Consensus

توسعه‌گرا، دو عامل اصلی دخیل بوده است: اولین و مهم‌ترین عامل موفقیت کشورهای شرق آسیا در دستیابی به رشد و توسعه سریع بود که نظر بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه را به خود جلب کرد؛ اما عامل دوم، استفاده از مفهوم و نظریه دولت توسعه‌گرا از سوی برخی صاحب‌نظران در واکنش به برخی دیدگاه‌های شایع آن زمان به‌ویژه نظریه‌های اقتصادی لیبرال بود که عامل موفقیت شرق آسیا را عملکرد صحیح نیروهای بازار می‌دانستند (همان: ۹۷۲). آدریان لفت و بیچ می‌گویند دولت توسعه‌گرا گونه‌ای از دولت است که قادر به تولید حرکت پایدار معطوف به توسعه است (امیدی و فالچی، ۱۳۹۶: ۱۵۱). از نظر وی دولت توسعه‌خواه دولتی است که عملکرد موفق توسعه اقتصادی و اجتماعی‌اش نشان از این دارد که چگونه اهداف سیاسی و ساختارهای نهادی‌اش جهت‌گیری توسعه‌ای دارد و درعین حال اهداف توسعه‌ای آن از نظر سیاسی جهت‌گیری شده است.

۲-۲ ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا

نظریه‌پردازان دولت توسعه‌گرا ویژگی‌های مختلف و تقریباً مشابهی را برای دولت توسعه‌گرا مطرح کرده‌اند. چالمرز جانسون در کتاب میتی و معجزه ژاپن، دولت توسعه‌خواه را دولتی با ویژگی‌های ذیل می‌داند (موتقی و کاهه، ۱۳۹۴: ۹۷۶):

- وجود گروهی کوچک، اما نخبه در رأس بروکراسی اداری؛
 - نظام سیاسی‌ای که بوروکراسی در آن قدرت مانور کافی دارد تا ابتکار عمل را به دست بگیرد و به‌گونه‌ای مؤثر عمل کند؛
 - ترجیح شیوه‌های دخالت دولت در اقتصاد که مشخصه آن‌ها این بود که مکمل بازارند؛
 - سازمانی راهبر مانند وزارت صنایع و تجارت بین‌المللی ژاپن (میتی) که سیاست‌گذاری توسعه صنعتی را با نفوذی کنترل می‌کند که در امر برنامه‌ریزی در عرصه‌های مختلف اقتصادی کشور مانند بخش انرژی، بخش مالی و بودجه دولتی، اتحادیه‌ها و تولید داخل داراست.
- پیکان چهار ویژگی اصلی برای دولت‌های توسعه‌گرا در نظر گرفته است که عبارت‌اند از: (۱) بوروکراسی شایسته‌سالار؛ (۲) نظام سیاسی بوروکراتیک‌محور که در آن اختیارات قوه قانون‌گذاری محدود شده است؛ (۳) مداخلات مؤثر دولت در اقتصاد؛ (۴) وجود سازمانی راهنما برای هدایت روند توسعه (میرترابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۱). آدریان لفت و بیچ نظریه‌پرداز مهم دولت توسعه‌گرا در کتابی که با عنوان دولت‌های توسعه‌گرا، درباره اهمیت سیاست در توسعه در سال ۲۰۰۰ نوشته، ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا را به شرح ذیل آورده است:
- (۱) همه دولت‌های توسعه‌گرا از سوی نخبگان توسعه‌گرای مصممی هدایت شده‌اند. مشخصه این‌گونه نخبگان توسعه‌گرا عزم راسخ آن‌ها برای توسعه، اعتقادشان به رشد و دگرگونی اقتصادی و ظرفیتشان برای پافشاری برای تحقق آن‌هاست.
 - (۲) یک وجه مشترک دولت‌های توسعه‌گرا، استقلال نسبی نخبگان و سازمان‌های دولتی تحت فرمان این دولت‌ها بوده است. در این دولت‌های عامل اصلی سبب‌ساز این استقلال، تفوق حکومت تک‌حزبی ناشی از پیروزی‌های مکرر در انتخابات‌ها بوده است.

۳) در همه دولت‌های توسعه‌گرا یک بوروکراسی باکفایت و مجزا از منافع اقتصادی خاص وجود دارد. در ژاپن وزارت دارایی و وزارت صنایع و تجارت خارجی (MITI) یک نمونه ایدئال از این نوع بوروکراسی است. خصوصیات این سازمان مسلط سطح بالای اقتصادی یا آنچه که جانسون آن را مؤسسات هدایتگر می‌نامد، عبارت است از: قدرت، اقتدار، قابلیت تکنیکی و جدایی‌شان از منافع خاص در شکل‌دهی به حرکت‌های اساسی برای تدوین سیاست توسعه.

۴) در همه دولت‌های توسعه‌گرا، جامعه مدنی، تضعیف، تحقیر یا کنترل‌شدن توسط دولت را تجربه کرده‌اند.

۵) دولت‌های توسعه‌گرا از ظرفیت کنترل منافع اقتصادی محلی و خارجی به نحوی موثر برخوردارند. همه دولت‌های توسعه‌گرا مجموعه دستگاه‌هایی را به وجود آورده‌اند که آن‌ها را برای استفاده از سرمایه تحت کنترل برای اهداف توسعه‌ای کشور توانا کرده است.

۶) بسیاری از دولت‌های توسعه‌گرا ترکیبی پر تنش از سرکوب، وضع بد حقوق بشر، مشروعیت و عملکرد مناسب وجود دارد (لفت ویچ، ۱۳۸۵: ۲۵۲-۲۵۸).

۳- شاخص توسعه انسانی

همان‌طور که اشاره شد، توسعه فرایندی پویا و چندبعدی است و امروزه این اتفاق نظر وجود دارد که سطح توسعه را نمی‌توان براساس تعدادی از شاخص‌ها و نماگرها ساده بیان کرد؛ در واقع امروزه تعیین توسعه‌یافته‌بودن کشورها براساس شاخص‌های ترکیبی مورد تأیید نظریه‌پردازان توسعه است. از نمونه شاخص‌های ترکیبی می‌توان به شاخص‌های ترکیبی توسعه اجتماعی یاد کرد که مؤسسه تحقیقات برای توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۷۰ میلادی ارائه کرد. علاوه بر این می‌توان به شاخص ترکیبی دیگری یعنی شاخص کیفیت زندگی فیزیکی^۱ یاد کرد که در سال ۱۹۷۹ توسط موریس^۲ مطرح شد. در شاخص‌های موریس از سه نماگر امید به زندگی در یک سالگی، مرگ‌ومیر نوزادان و نرخ بی‌سوادی استفاده شده است. ابداع نماگرهای توسعه و روش ترکیب آن‌ها برای ساخت یک شاخص واحد به نتیجه نهایی رسید؛ تا اینکه در سال ۱۹۹۰، برنامه توسعه سازمان ملل^۳ UNDP شاخص توسعه انسانی^۴ HDI را براساس نماگرهای کیفیت فیزیکی زندگی معرفی کرد. شاخص توسعه انسانی در واقع در واکنش به استقبال‌نکردن از شاخص‌های ترکیبی اجتماعی به وجود آمد (مسجدی، ۱۳۸۱: ۷۲). شاخص توسعه انسانی به‌عنوان مقیاس جدیدی از توسعه و اندازه‌گیراندازه‌گیری آن جوامع در نظر گرفته شد. این شاخص مبتنی بر این ایده است که لازمه دستیابی به زندگی بهتر، علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. شاخص توسعه انسانی درصدد اندازه‌گیراندازه‌گیری متوسط دستیابی یک کشور در سه بعد توسعه انسانی است. این ابعاد عبارت‌اند از:

- زندگی طولانی و سالم؛

¹ Physical Quality of Life Index

² Morris

³ United Nation Development Program

⁴ Human Development Index

- دسترسی به دانش و معرفت؛

- سطح زندگی مناسب.

زندگی طولانی توأم با سلامتی با معیار امید به زندگی در بدو تولد، دانش به‌وسیله ترکیبی از میزان سواد بزرگسالان و نسبت ثبت‌نام خالص ترکیبی در آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی و استاندارد زندگی به‌وسیله تولید ناخالص داخلی سرانه و یا درآمد اندازه‌گیر یا اندازه‌گیری می‌گردد (علیخانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۱۵). این شاخص وسیله‌ای برای اندازه‌گیری رشد و پیشرفت انسانی در رویکردهای انسانی بوده و هدف آن نشان‌دادن کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی و رفاه مادی است. این شاخص عددی بین صفر و یک است و محاسبه این شاخص برای کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد صورت گرفته است و سپس رتبه‌بندی می‌شود؛ نتیجه تحت قالب گزارش توسعه انسانی منتشر می‌شود و در آن، کشورهای جهان از نظر میزان توسعه انسانی به چهار گروه زیر تقسیم می‌شود (اکبری، ۱۳۹۶):

- کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا؛

- کشورهای دارای توسعه انسانی بالا؛

- کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط؛

- کشورهای دارای توسعه انسانی پایین.

۴- دولت توسعه‌گرای لولا داسیلوا

پس از پایان دوران امپراتوری برزیل و از زمان انتخاب اولین رئیس‌جمهور تا به امروز براساس نوع حکومت در این کشور، تاریخ سیاسی برزیل براساس دوره‌های مختلف زیر قابل تقسیم‌بندی است. با اضافه‌نمودن دوران کشف تا پایان نظام سلطنتی، می‌توان تاریخ برزیل را به شش بخش اصلی زیر تقسیم نمود (Schneider, 2015: 116):

(۱) از کشف برزیل تا پایان نظام سلطنتی؛

(۲) دوره جمهوری اول (۱۸۸۹ تا ۱۹۳۰)؛

(۳) دوره وارگاس (۱۹۳۰ تا ۱۹۶۴)؛

(۴) جمهوری دوم (۱۹۶۴ تا ۱۹۶۴)؛

(۵) رژیم نظامی (۱۹۶۴ تا ۱۹۸۵)؛

(۶) جمهوری جدید (۱۹۸۵ به بعد).

لوئیس ایناسیو لولا داسیلوا^۱ به‌عنوان سی‌وپنجمین رئیس‌جمهور برزیل به مدت دو دوره چهارساله از اول ژانویه ۲۰۰۳ تا اول ژانویه ۲۰۱۱ میلادی مسئولیت ریاست‌جمهوری برزیل را بر عهده داشته است. لولا پیش از انتخاب به‌عنوان رئیس‌جمهور از مؤسسين حزب کارگر برزیل^۲ (PT) بوده است. لولا داسیلوا به‌علت اتخاذ سیاست‌های توسعه‌گرایانه و موفقیت در تغییر محسوس سطح زندگی مردم برزیل به یکی از محبوب‌ترین رؤسای جمهور تاریخ برزیل تبدیل شده

¹ Luiz Inácio Lula da Silva

² Workers' Party (Portuguese: Partido dos Trabalhadores, PT)

است. دوران ریاست‌جمهوری لولا به دلیل تأثیرگذاری ویژه شخصیت سیاسی او بر سیاست و اقتصاد برزیل، به دوران لولایسم^۱ در ادبیات سیاسی این کشور شهرت یافته است (رضایی و آجیلی، ۱۳۹۸: ۶۵). پیش از لولا و پس از آغاز جمهوری جدید در برزیل، دولت‌های مختلفی با سیاست‌ها و گرایش‌های مختلف در برزیل روی کار آمده‌اند که جویت ریکز^۲ در مقاله‌ای این دولت‌ها را در قالب زیر دسته‌بندی کرده است.

جدول شماره ۱: انواع دولت‌های برزیل از ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۶

دوره زمانی	چرخه سیاسی	رؤسای جمهور
۱۹۶۴-۱۹۴۵	دولت پوپولیستی (دمکراسی محدود)	اریکو گاسپار دوتا ^۳ (۱۹۴۶ تا ۱۹۵۱)؛ خولیو وارگاس ^۴ (۱۹۵۱-۱۹۵۴)؛ کافه فیلو ^۵ (۱۹۵۴-۱۹۵۵)؛ کارلوس لوتیز ^۶ (۱۹۵۵)؛ نرئو راموس ^۷ (۱۹۵۵-۱۹۵۶)؛ ژوسلینو کوبیچک ^۸ (۱۹۵۶-۱۹۶۱)؛ جانینو کوادروس ^۹ (۱۹۶۱)؛ رانیری مازیلی ^{۱۰} (۱۹۶۱)؛ خواوو گولارت ^{۱۱} (۱۹۶۱-۱۹۶۴)؛ رانیری مازیلی (۱۹۶۴)
۱۹۸۵-۱۹۶۴	دولت توسعه‌گرای نظامی	کاستلو برانکو ^{۱۲} (۱۹۶۴-۱۹۶۷)؛ کوستا ا سیلوا ^{۱۳} (۱۹۶۷-۱۹۶۹)؛ میلیتاری خونتا ^{۱۴} (۱۹۶۹)؛ امیلیو مدیسی ^{۱۵} (۱۹۶۹-۱۹۷۴)؛ ارنستو گیزل ^{۱۶} (۱۹۷۴-۱۹۷۹)؛ خوان فیگویردو ^{۱۷} (۱۹۷۹-۱۹۸۵)
۲۰۰۲-۱۹۸۵	دمکراتیزاسیون	ژوزه سارنی ^{۱۸} (۱۹۸۵-۱۹۹۰)؛ فرناندو کلا دملو ^{۱۹} (۱۹۹۰-۱۹۹۲)؛ ایتامار فرانکو ^{۲۰} (۱۹۹۲-۱۹۹۵)؛ فرناندو کاردوسو ^{۲۱} (۱۹۹۵-۲۰۰۳)
۲۰۱۱-۲۰۰۳	دولت توسعه‌گرا	لولا داسیلوا
۲۰۱۶-۲۰۱۱	دولت توسعه‌گرا	دیلما روسلف ^{۲۲}

- 1 Lolalism
- 2 Judit Ricz
- 3 Eurico Gaspar Dutra
- 4 Getúlio Vargas
- 5 Café Filho
- 6 Carlos Luz
- 7 Nereu Ramos
- 8 Juscelino Kubitschek
- 9 Jânio Quadros
- 10 Ranieri Mazzilli
- 11 João Goulart
- 12 Castelo Branco
- 13 Costa e Silva
- 14 Military Junta
- 15 Emílio Garrastazu Médici
- 16 Ernesto Geisel
- 17 João Figueiredo
- 18 José Sarney
- 19 Fernando Collor de Mello
- 20 Itamar Franco
- 21 Fernando Henrique Cardoso
- 22 Dilma Rousseff

منبع: (Riciz, 2014: 6)

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، شاخصه‌هایی مانند وجود نخبگان توسعه‌گرا، استقلال نسبی نخبگان و سازمان‌های دولتی، بوروکراسی، دخالت دولت در اقتصاد و دموکراسی کنترل‌شده جزو شاخصه‌های مشترک دولت‌های توسعه‌گراست. در ادامه به بررسی این شاخصه‌ها در برزیل می‌پردازیم.

نخبگان برزیل از دیرباز نقش مهمی در فرایند توسعه این کشور داشته‌اند. نفوذ آن‌ها در سیاست، اقتصاد، حکومت، تجارت و رسانه بر تصمیم‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی این کشور مؤثر است؛ درحالی‌که عملکرد نخبگان با منافع ملی گره خورده است. نخبگان برزیل با وجود تنوع در طبقه‌بندی، یک ویژگی بنیادین عمومی دارند و آن، همگن بودن و ارتباط آشکار با قدرت سیاسی است (تیموری، ۱۳۹۵: ۱۷۰). به اعتقاد آتول کوهلی^۱ در برزیل ائتلافی متشکل از نخبگان سیاسی و اقتصادی، صنعتی شدن کشور را تسهیل کردند (افشار کهن، ۱۳۸۸: ۳۷۷). کنشگری اقتصادی - صنعتی نخبگان برزیل را می‌توان بعد از اعمال برنامه‌های اصلاحات کاردوسو به‌تمامی نظاره کرد. اتصال برزیل به سرمایه جهانی می‌تواند توضیحی بر آثار بالقوه نخبگان بر ساختار اقتصادی و اجتماعی برزیل باشد. از یک‌سو، منابع نفوذ جدیدی برای نخبگان موجود ایجاد کرده و سرمایه‌گذاری خارجی به نخبگان صنعتی و تجاری برزیل اجازه داده است مدل تجاری و محصولات خود را به فراسوی بازارهای ملی گسترش دهند. از سوی دیگر، بر فعالیت‌های محلی نخبگان برای هم‌راستایی با محدودیت‌های سرمایه جهانی فشار وارد می‌کند (روشا، ۱۳۸۳: ۲۹). دخالت دولت در اقتصاد و فرایند توسعه یکی از شاخصه‌های دولت توسعه‌گرای لولا داسیلواست. جدول زیر به‌وضوح نشان می‌دهد که دو دولت کاردوسو و لولا داسیلوا حجم وسیعی از میزان اقدامات حمایت‌گرایانه اقتصادی را به کار برده‌اند. چنانکه مشاهده می‌شود، برزیل در میان کشورهای آمریکای لاتین در رتبه دوم قرار دارد (تیموری، ۱۳۹۵: ۱۷۰).

جدول شماره ۲: اقدامات حمایت‌گرانه اقتصادی در آمریکای لاتین از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۲

کشور	شاخص حمایت‌گری اقتصادی	کشور	شاخص حمایت‌گری اقتصادی
آرژانتین	۱۷۰	اکوادور	۶
برزیل	۸۶	اروگوئه	۴
مکزیک	۲۳	بولیوی	۳
ونزوئلا	۱۱	شیلی	۲
کلمبیا	۷	کاستاریکا	۱

منبع: Global Trade alert 2012

مداخلات دولت در بازار کار یکی از عناصر برنامه اجتماعی لولا داسیلوا در دوران ریاست‌جمهوری‌اش بوده است. سیاست‌های پرداخت حداقل حقوق و دستمزد (که منجر به افزایش ثابت در حداقل دستمزد واقعی با هدف بازگرداندن

¹ Atul Kohli

آتول کوهلی استاد دانشگاه پرینستون است و تخصص اصلی وی درباره اقتصاد سیاسی تطبیقی با تمرکز بر کشورهای در حال توسعه است.

قدرت خرید شد) و سیاست‌هایی مانند ساده‌سازی مالیات، نظارت دقیق‌تر بر روی اشتغال موجود، به ایجاد مشاغل رسمی و درآمد بیشتر انجامید. معرفی برنامه‌های زیرساختی به نام برنامه رشد پرشتاب (PAC)^۱ و برنامه سرمایه‌گذاری نیز دارای برخی عناصر ابتکاری همکاری‌های دولت و بخش خصوصی است. از سوی دیگر در دوران لولا، دولت دخالت‌های مستقیمی در زیرساخت‌های اجتماعی مانند تأمین مسکن کم هزینه، بهداشت، حمل‌ونقل شهری انجام می‌داده است (RicZ, 2014: 10).

می‌دانیم که وجود بوروکراسی اقتصادی توانمند و منسجم یکی از ویژگی‌های کلیدی دولت توسعه‌گراست. شنایدر^۲ با مقایسه برزیل، ژاپن و ایالات متحده این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که فقط انتصاب ده تا دوازده مقام بر عهده نخست‌وزیر ژاپن است و این رقم برای ایالات متحده به صدها نفر می‌رسد؛ درحالی‌که رئیس‌جمهور برزیل اختیار انتصاب ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ نفر را داراست. به اعتقاد ایوانز درحالی‌که رهبران سیاسی برزیل نتوانستند در کلیت بوروکراسی این کشور تحولی به وجود آورند، کوشیدند درون دیوان‌سالاری، بخش‌های کارآمدی پدید آورند و با این روش دستگاه دولت را از طریق گسترش مدرن کنند.

آتول کوهلی در کتاب توسعه دولت‌محور، برزیل را کشوری دارای یک اقتصاد ترکیبی و نقش دولت را در این کشور تقویت فعالانه توسعه ملی با کمک یک بوروکراسی توسعه‌گرا و تحرک منابع محلی می‌داند. براساس نظر وی باتوجه‌به فقدان یک جامعه مدنی حرفه‌ای، برزیل وابسته به خلق مدلی از بوروکراسی دولتی است که اغلب اقتصاد را به‌خوبی مدیریت می‌کند. عوامل مشارکت‌کننده در موفقیت این مدل عبارت‌اند از: تکنوکرات‌های آموزش‌دیده، رهبران متعهد به کار، موقعیت بالای حقوق‌بگیران دولتی و گروه‌های مرجع پایداری از تکنوکرات‌های نخبه که به‌مثابه یک گروه به‌هم‌پیوسته عمل می‌کنند. کوهلی معتقد است نوع خاص بوروکراسی در برزیل عاملی در تداوم حرکت این دولت توسعه‌گرای جدید، به‌ویژه در دوره جمهوری جدید است (تیموری، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

استقلال نسبی دولت یکی دیگر از شاخصه‌های دولت‌های توسعه‌گراست. پیتر اوانز در کتاب توسعه یا چپاول، صنایع استخراج و معدنی را زمینه‌ای برای استقلال نسبی دولت می‌داند و معتقد است از میادین نفتی خاورمیانه تا معادن مس آفریقا و آمریکای لاتین (مشخصاً استخراج فولاد و صنعت فولاد برزیل)، صنایع استخراج حوزه‌هایی بوده‌اند که در آن دولت به‌جای طبقه کارآفرین آن کشور عمل کرده و با تأسیس شرکت‌های دولتی، بار توسعه را خود به دوش گرفته است. در نتیجه مبنایی برای استقلال نسبی تشکیلات دولت در برابر رقبای کارآفرین بخش محلی و خصوصی ایجاد کرده است. استقلال نسبی دولت به این مفهوم اشاره دارد که نه‌تنها ترجیحات مقامات دولتی و رسمی بر گروه‌های اجتماعی قدرتمند برتری دارد، بلکه آنها ظرفیت، یکپارچگی سازمانی، تجربه و توانایی انسجام‌بخشی بیشتری در تصمیم‌سازی بر مبنای ترجیحات خود را دارند (ایوانز، ۱۳۸۰: ۱۶۰-۱۶۱).

امروزه برزیل یک کشور دموکراتیک با نظام ریاست‌جمهوری فدرال است و رئیس‌جمهور به‌عنوان عالی‌ترین مقام کشور

^۱ Growth Acceleration Program.

^۲ Schneider

و نمایندگان مجالس در سطح ملی و ایالتی با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند؛ اما تاریخ این کشور مملو از کودتای نظامی، سرکوب دموکراسی و حضور رهبران اقتدارگراست. عموماً مشارکت سیاسی جامعه مدنی در امریکای لاتین و به‌ویژه برزیل به عملکرد دولت‌های چپ‌گرا برمی‌گردد. آن‌چنان‌که کیربای^۱ معتقد است از سال‌های دهه ۹۰ که حزب کارگر برزیل برای نخستین‌بار فرایندهای مشارکتی بودجه را در سطح شهرداری به کار بست، اشکال جدیدی از مشارکت‌های مردمی با ظهور «چپ جدید» در امریکای لاتین قابل مشاهده شد. پدیداری جامعه مدنی در دوره دموکراتیزاسیون برزیل عمیقاً با پیوند سه‌جانبه مدنی و بازار مرتبط است (Kirby, 2013: 103). ازسوی دیگر، همه دولت‌های اقتدارگرای امریکای لاتین، صورت‌های ضداجتماعی را از طریق مداخله در اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های داوطلبانه تعقیب می‌کردند؛ بنابراین، جامعه مدنی در امریکای لاتین و برزیل، به‌مثابه یک مفهوم متمایز از بازار، دولت و جامعه و در پیوند با آن‌ها در سراسر قرن بیستم تحکیم یافت. در برزیل که یک کشور چندفرهنگی و چندقومیتی است، تنوع و کثرت جامعه مدنی به‌صورت مشهود وجود دارد؛ علاوه‌بر آن کارکرد دولت برزیل به‌عنوان میراثدار نظام‌های اقتدارگرای امریکای لاتین در توزیع مزایای حاصل از رشد سریع و تسلط نیروهای بازار بر جامعه مدنی باعث تضعیف جامعه مدنی در برزیل شده است (تیموری، ۱۳۹۵: ۱۸۹).

لولا داسیلوا را می‌توان به‌عنوان شخص محوری بروکراسی اداری برزیل معرفی کرد که با همراهی نزدیکان خود در حزب کارگر برزیل به هدایت و راهبری توسعه در برزیل پرداخت. لولا در جریان فکری چپ نو تقسیم‌بندی می‌گردد. چپ نو خواهان محدودشدن درهای باز (نئولیبرالیسم)، گشودن درها به‌صورت انتخابی و براساس نیازهای داخلی و نقش‌پذیری دولت در اقتصاد است. لولا داسیلوا را می‌توان به‌عنوان یکی از رهبران جریان چپ معتدل یا چپ‌گرای سوسیال دموکرات و پراگماتیست معرفی کرد (خادم‌الملله، ۱۳۹۱: ۱۰۳۷).

۴-۱ سازمان راهبر

بانک توسعه برزیل^۲ یکی از نهادهایی است که می‌توان آن را به‌عنوان سازمانی راهبر و مؤثر در فرایند توسعه اقتصادی برزیل معرفی کرد. بانک توسعه اقتصادی و اجتماعی برزیل، بانکی دولتی و یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های توسعه‌ای در جهان است که با هدف اجرای سیاست‌های توسعه اقتصادی دولت و انعطاف‌پذیری بیشتر برای افزایش منابع سرمایه‌گذاری با دخالت‌های کمتر سیاسی و تأمین مالی بلندمدت پروژه‌های باارزش اجتماعی در سال ۱۹۵۲ ایجاد شده است (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۹۷: ۲۷). این بانک برخلاف بیشتر نهادهای دیوان‌سالاری در برزیل، دارای چارچوب منضبط کاری، وظایف توسعه‌گرایانه و انضباط اداری است (تیموری، ۱۳۹۵: ۱۸۱). بانک توسعه برزیل نقش مهمی در اجرای سیاست‌های توسعه‌ای دولت برزیل داشته است که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، بخش‌های کشاورزی، انرژی، فناوری؛
- ایفای نقش اساسی در سیاست جایگزینی واردات؛
- تشویق شرکت‌ها برای رقابت با کالاهای وارداتی در بازار داخلی و همچنین افزایش صادرات؛

¹ Peadar Kirby

² Banco Nacional de Desenvolvimento Econômico e Social (BNDES)

- مسئول پشتیبانی مالی، فنی و امور اداری برنامه خصوصی‌سازی برزیل؛
- توجه به مناطق کمتر توسعه‌یافته از طریق سرمایه‌گذاری بیشتر در مناطق محروم و حمایت از صادرات شرکت‌های کوچک و متوسط؛
- حمایت از حوزه فرهنگ برزیل با سرمایه‌گذاری در تولید فیلم و حفاظت از میراث تاریخی و هنری برزیل از سال ۱۹۹۵؛
- حمایت از افزایش ظرفیت تولید صنعتی، کارآمدی بخش خدمات و صنعت، شرکت‌های بین‌المللی برزیلی، افزایش صادرات و کاهش واردات؛
- گسترش مسئولیت اجتماعی با کمک به ارتقای توسعه منطقه‌ای و محلی، محیط زیست و نوآوری؛
- سرمایه‌گذاری داخلی در خودرو و نیز در بنادر و نوسازی صنعت کشتی‌سازی، مدرن‌سازی زیرساخت‌های کشور و ظرفیت‌های تجاری دریایی (زنجانی و مقیسه، ۱۳۹۷: ۲۸-۲۹).

علاوه بر توضیحات فوق درباره تطبیق شاخصه‌های دولت توسعه‌گرا بر دولت لولا داسیلوا اندیشمندان مختلفی براساس شاخصه‌های دولت توسعه‌گرا، دولت هشت‌ساله لولا داسیلوا را به‌عنوان دولت توسعه‌گرا یا دولت توسعه‌گرایی اجتماعی معرفی کرده‌اند؛ برای مثال می‌توان به مقالات «دولت توسعه‌گرا در برزیل: گذشته، حال و آینده» از جودیت ریتز، مقاله «دولت توسعه‌گرا در برزیل دیدگاه‌های مقایسه‌ای و تاریخی» از روس اشناپدر^۱ و مقاله «دولت توسعه‌یافته جدید: بانک توسعه ملی و مدل برزیل» از آلفرد مونتر و اشاره کرد (Garcia, 2013: 2; Ricz, 2014).

سیاست‌های توسعه‌ای لولا داسیلوا در دوران وی تأثیر مشهودی بر ابعاد مختلف زندگی مردم برزیل داشت. به طوری که از سال ۲۰۰۳ تا پایان دوران ریاست جمهوری اش به‌دنبال سیاست‌های اقتصادی داسیلوا، نزدیک به بیست میلیون برزیلی از خط فقر نجات یافتند و وارد بازار اقتصادی شدند. در مصاحبه داسیلوا با اکونومیست، وی قول داد تصمیماتی را طی مدت زمان ریاست جمهوری خود اتخاذ کند که برزیل مکان بهتری برای مردمان مختلف باشد. وی گفت: قصد داریم سطح زندگی مردم فقیر را بهبود بخشیده و آنها را به سطح متوسط جامعه نزدیک‌تر کنیم (ثمودی، ۱۳۸۹). اولویت‌های دولت لولا جنگ علیه فقر، بهبود سطوح آموزش، تساوی در خدمات اجتماعی، رشد سریع اقتصادی، سیاست مالی منضبط، کاهش تورم، احترام به قراردادهای خارجی، اشتغال جوانان و ریشه‌کنی گرسنگی با هدف کلان رسیدن به رفاه برای ملتش بود (آرتین، ۱۳۸۹).

۵- شاخص توسعه انسانی در دوران لولا داسیلوا

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، شاخص توسعه انسانی درصدد اندازه‌گیری متوسط دستیابی یک کشور در سه بعد توسعه انسانی یعنی زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب است. زندگی طولانی توأم با سلامتی با معیار امید به زندگی در بدو تولد، دانش به‌وسیله ترکیبی از میزان سواد بزرگسالان و نسبت ثبت‌نام

¹ Ross Schneider

خالص ترکیبی در آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی و استاندارد زندگی به وسیله تولید ناخالص داخلی سرانه و یا درآمد اندازه‌گیری می‌شود. در ادامه به تفکیک، هرکدام از این شاخص‌ها را بررسی و ارزیابی می‌کنیم و سپس شاخص توسعه انسانی در بازه زمانی دوران ریاست جمهوری لولا داسیلوا بررسی می‌شود.

۵-۱ سن امید به زندگی

امید به زندگی ۱ در بدو تولد، معرف متوسط سال‌هایی است که یک نوزاد زنده به دنیا آمده است و عمر خواهد کرد. این شاخص یکی از معیارهای ارزیابی وضعیت بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌شود (فلاح‌زاده و هادیان، ۱۳۸۵). براساس آخرین آمار موجود متوسط سن امید به زندگی در برزیل در سال ۲۰۱۶ میلادی ۷۵،۵۱ بوده است. در جدول زیر سن امید به زندگی در دوران ریاست جمهوری لولا داسیلوا آورده شده است.

جدول شماره ۳: سن امید به زندگی بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
سن امید به زندگی	۷۱,۲۹	۷۱,۶۷	۷۲,۰۴	۷۲,۴۱	۷۲,۷۷	۷۳,۱۳	۷۳,۴۹	۷۳,۸۴	۷۴,۱۷

منبع: (countryeconomy2019) و (statista, 2019)

با مراجعه به آمار فوق مشاهده می‌شود در حالی که سن امید به زندگی در سال ۲۰۰۲، یعنی قبل از آغاز ریاست جمهوری لولا، ۷۰،۹۰ بوده است با رشد ۳،۲۷ واحدی به رقم ۷۴،۱۷ سال رسیده است.

۵-۲ سواد

بالا بودن سطح سواد یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه به شمار می‌آید. به همین دلیل گسترش آموزش و پرورش و کاهش بی‌سوادی یکی از شاخصه‌های پیشرفت است. سواد شالوده آگاهی و تفکر انسان‌هاست. سواد سنتی به برخی توانمندی‌های مورد نیاز برای برقراری ارتباط با دیگران ا طریق خواندن، نوشتن و حساب‌کردن اطلاق می‌شود (میرجلیلی، ۱۳۸۵). نرخ باسوادی در برزیل براساس آخرین آمار ارائه شده از یونسکو برای افراد بالغ بالای ۱۵ سال برابر با ۹۲،۵۸ درصد است (litbase.uil.unesco, 2017)؛ در حالی که در سال ۱۹۸۰ نرخ باسوادی در برزیل ۷۴،۶ درصد بوده است. این رقم در سال ۲۰۰۰ به رقم ۸۶،۴ درصد رسیده است. با بررسی‌های نگارنده، آمار معتبری درباره میزان باسوادی در سال ۲۰۰۳ یعنی سال آغاز ریاست جمهوری لولا یافت نشد. نزدیک‌ترین آمار رسمی درباره میزان باسوادی در سال‌های ابتدایی ریاست جمهوری لولا مربوط به یک سال پس از آغاز ریاست جمهوری وی، یعنی سال ۲۰۰۴ میلادی است. نرخ باسوادی بزرگسالان بالای ۱۵ سال در سال ۲۰۰۴ در برزیل ۸۸،۶ بوده است. در سال پایانی ریاست جمهوری لولا داسیلوا، یعنی در سال ۲۰۱۱ به رشد محسوسی به رقم ۹۱،۴۱۱ رسیده است (knoema, 2019).

۵-۳ شاخص تحصیلات^۱

شاخص تحصیلات یکی از معیارهای تعیین شاخص توسعه انسانی است و در واقع ترکیبی از میزان سواد بزرگسالان و نسبت ثبت نام خالص ترکیبی در آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی است. پیش از سال ۲۰۱۰، شاخص تحصیلات براساس

¹ Education index

میزان سواد بزرگسالان (با وزن دو سوم) و نسبت ثبت‌نام در مقاطع دوره‌های تحصیلی (با وزن یک‌سوم) اندازه‌گیری می‌شد (نیسی، ۱۳۸۹). از سال ۲۰۱۰، شاخص تحصیلات، با ترکیب متوسط سال‌های تحصیل در سال تحصیلی با سال‌های انتظار تحصیل برای کودکان اندازه‌گیری شده است که هر کدام ۵۰٪ وزن دارند (Chakravarthi, 2011). براساس آخرین آمار موجود، شاخص تحصیلات در سال ۲۰۱۵ در برزیل رقم ۰,۶۸۱ است. در جدول زیر این شاخص در سال‌های دوران ریاست‌جمهوری لولا داسیلوا آورده شده است.

جدول شماره ۴: شاخص تحصیلات بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
شاخص تحصیلات	۰,۵۹۵	۰,۵۹۳	۰,۵۹۳	۰,۵۸۹	۰,۵۸۸	۰,۶۰۸	۰,۶۱۰	۰,۶۱۹	۰,۶۲۲

منبع: (hdr.undp, 2019).

همان‌طور که با مشاهده جدول فوق مشهود است، شاخص تحصیلات در کشور برزیل در دوران ریاست‌جمهوری لولا داسیلوا ۰,۰۲۷ رشد داشته است.

۴-۵ تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی مجموع ارزش نهایی تمامی کالاها و خدماتی است که در یک بازه زمانی معین در داخل مرزهای یک کشور تولید شده است (علوی، ۱۳۹۲: ۱۹۲). دستیابی به این شاخص عددی بسیار مهم است؛ زیرا اگر نتوانید بسنجید که یک نظام اقتصادی چگونه عمل می‌کند، نمی‌توانید گفت سیاست‌های یک دولت به‌منظور بهبود اوضاع اقتصادی مفید است یا مخرب (فلین، ۱۳۹۴: ۳۱۰).

میزان تولید ناخالص برزیل می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سنجش موفقیت یا موفق‌نشدن برنامه‌های لولا داسیلوا در دوران ریاست‌جمهوری‌اش استفاده شود. آخرین آمارهای صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی برزیل را در سال ۲۰۱۷ میلادی، ۲,۰۵۴,۹۶۹ میلیارد دلار اعلام کرده است. با این میزان از تولید ناخالص داخلی، برزیل رتبه هشتم برترین اقتصادهای دنیا را کسب کرده است (imf, 2017). این درحالی است که تولید ناخالص داخلی برزیل در سال ۱۹۶۰ برابر با ۱۵۱۶۶ میلیارد دلار بوده است. از این تاریخ به بعد تولید ناخالص داخلی برزیل به مرور رشد کرده است. پیش از آغاز دوران ریاست‌جمهوری لولا در سال ۲۰۰۳، بالاترین میزان تولید ناخالص داخلی برزیل با میزان ۸۸۳۲۰۰ میلیارد دلار مربوط به دوران ریاست‌جمهوری کاردوسو در سال ۱۹۹۷ است. در سال ۲۰۰۲ و قبل از پیروزی لولا در انتخابات تولید ناخالص داخلی برزیل ۵۰۷۹۶۲ میلیارد دلار بوده در سال ۲۰۰۳ میلادی و آغاز ریاست‌جمهوری وی تولید ناخالص داخلی برزیل به رقم ۵۵۸۳۲۰ میلیارد دلار رسیده بوده است. تولید ناخالص داخلی برزیل در دوران ریاست‌جمهوری لولا داسیلوا رشد قابل‌توجهی داشته است. در جدول زیر به‌صورت سالانه تولید ناخالص داخلی برزیل در سال‌های بین ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ براساس آمار بانک جهانی آورده شده است.

جدول شماره ۵: تولید ناخالص داخلی برزیل بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱

سال	تولید ناخالص داخلی برزیل (میلیارد دلار)
-----	---

۵۵۸۳۲۰	۲۰۰۳
۶۶۹۳۱۷	۲۰۰۴
۸۹۱۶۳۰	۲۰۰۵
۱۱۰۸۰۰۰	۲۰۰۶
۱۳۹۷۰۰۰	۲۰۰۷
۱۶۹۶۰۰۰	۲۰۰۸
۱۶۶۷۰۰۰	۲۰۰۹
۲۲۰۹۰۰۰	۲۰۱۰
۲۶۱۶۰۰۰	۲۰۱۱

منبع: (data.worldbank, 2018)

رقم ۲۶۱۶۰۰۰ میلیارد دلاری تولید ناخالص داخلی برزیل در سال ۲۰۱۱، یعنی در سال پایانی ریاست‌جمهوری لولا بالاترین میزان در طول تاریخ این کشور است. نمودار زیر به وضوح این نکته را نشان می‌دهد:



نمودار شماره ۱: تولید ناخالص برزیل بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۵

براساس آمار صندوق بین‌المللی پول، درحالی‌که پیش از ریاست‌جمهوری لولا داسیلوا در سال ۲۰۰۲ میلادی، این کشور براساس تولید ناخالص داخلی در رتبه نهم اقتصاد جهان قرار داشته است، در سال ۲۰۱۱ با دو پله ارتقا به رتبه هفتم رسیده است (imf, 2018). علاوه بر تولید ناخالص داخلی، سیاست‌های اقتصادی لولا منجر به این شد که برزیل که در دهه ۸۰ میلادی یکی از مقروض‌ترین کشورهای جهان شناخته می‌شد، برای اولین بار در سال ۲۰۰۸ به‌عنوان یک اقتصاد اعتباردهنده خارجی به عرصه اقتصاد بین‌الملل پا نهد. در دوره هشت‌ساله لولا، نرخ سرمایه‌گذاری خارجی برزیل

افزایش قابل‌ملاحظه‌ای داشت. نرخ سرمایه‌گذاری خارجی برزیل در سال پایانی حضور لولا داسیلوا در قدرت با رشد قابل‌توجهی از رقم ۱۰,۱۲۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ به رقم ۱۰۲,۴۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ رسید؛ رقمی که به بالاترین میزان سرمایه‌گذاری خارجی در تاریخ برزیل رسید (worldbank, 2020). این مقدار در حدود ۳/۴ درصد از کل سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم در جهان را در همین سال شامل می‌شد. برنامه‌های اقتصادی لولا منجر به افزایش ذخایر ارزی و کاهش بدهی‌های خارجی و تقویت ثبات و رشد اقتصادی پایدار برزیل شد؛ به‌طوری‌که در اثر این موفقیت‌های اقتصادی، لولا در پایان ریاست‌جمهوری خود در سال ۲۰۱۱ مقبولیتی ۸۷ درصدی داشت که در مقایسه با هر رئیس‌جمهور دو دوره‌ای دیگری نظیر کاردسو بسیار بالا بود. علاوه بر این موفقیت‌ها، سیاست‌های اقتصادی لولا داسیلوا باعث افزایش ۱۳ درصدی جمعیت طبقه متوسط برزیل از ۳۷ درصد به ۵۰ درصد شد (رضایی و آجیلی، ۱۳۹۸: ۶۹).

۵-۵ شاخص توسعه انسانی در برزیل

اکنون پس از بررسی جداگانه مؤلفه‌هایی مانند فقر، ضریب جینی، تولید ناخالص داخلی، سطح سواد و شاخص گرسنگی برزیل در دوران ریاست‌جمهوری برزیل، به بررسی شاخص توسعه انسانی در دوران ریاست‌جمهوری وی می‌پردازیم؛ شاخصی که می‌تواند تصویری واقعی و چندبعدی از وضعیت توسعه در برزیل را نشان دهد. همان‌طور که اشاره شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ توسط برنامه توسعه سازمان پیشنهاد گردیده است و در واقع آمارهای مربوط به این شاخص به پس از سال ۱۹۹۰ بازمی‌گردد. براساس آخرین آمار موجود از شاخص توسعه انسانی کشور برزیل در سال ۲۰۱۵ میلادی ۰,۷۵۴ بوده که این کشور را در میان کشورهای دارای توسعه انسانی بالا و در رتبه ۷۹ جهان قرار داده است. این شاخص در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی به ترتیب به ارقام ۰,۷۵۸ و ۰,۷۵۹ رسیده است. این درحالی است که این شاخص در سال ۱۹۹۰ رقم ۰,۶۱۱ بوده است. در جدول زیر شاخص توسعه انسانی در سال‌های دوران ریاست‌جمهوری لولا داسیلوا آورده شده است.

جدول شماره ۶: شاخص توسعه انسانی برزیل بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱

سال	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
شاخص توسعه انسانی	۰,۶۹۵	۰,۶۹۸	۰,۷۰۰	۰,۷۰۲	۰,۷۰۵	۰,۷۱۶	۰,۷۱۸	۰,۷۲۷	۰,۷۳۱

منبع: (hdr.undp, 2019)

در واقع شاخص توسعه انسانی برزیل در دوران لولا داسیلوا ۰,۰۳۶ واحد رشد داشته است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، برای شاخص توسعه انسانی چهار سطح کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا، بالا، متوسط و پایین تعریف شده است. براساس این طبقه‌بندی در دوران لولا داسیلوا و برای اولین بار کشور برزیل از سطح کشورهای با توسعه انسانی متوسط به سطح کشورهای با توسعه انسانی بالا ارتقا یافته است.

۶- سیاست‌های لولا داسیلوا

سیاست‌ها و برنامه‌ها اقتصادی و اجتماعی لولا داسیلوا عامل اصلی تغییر سطح زندگی و ارتقای شاخص توسعه انسانی

کشور برزیل بوده است. وی در زمان به قدرت رسیدن سه هدف ریشه‌کنی گرسنگی، ایجاد اشتغال برای جوانان، برنامه جامع کاهش فقر را به‌عنوان اهداف جامع رفاه اجتماعی خود بیان کرد (آرتین، ۱۳۸۹). در ادامه برنامه‌های جامع اقتصادی و اجتماعی دولت لولا معرفی می‌شود که با اهداف دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده اجرا شده است. لولا برای اجرای این برنامه‌ها یک وزارتخانه مستقل تحت عنوان وزارت توسعه اجتماعی و مبارزه با گرسنگی^۱ ایجاد کرد و یک الگوی اقتصادی حمایت‌گرایانه به نفع طبقات کارگری و توده‌های فقیر به اجرا گذاشت (رضایی و آجیلی، ۱۳۹۸: ۶۵).

۶-۱ برنامه کمک‌هزینه خانواده^۲

برنامه کمک‌هزینه خانواده یا به پرتغالی بلسا فامیلیا یک برنامه رفاهی اجتماعی و از برنامه‌های کمک فدرال دولت برزیل است. بلسا فامیلیا کمک مالی برای خانواده‌های فقیر برزیل فراهم می‌کند؛ درحالی‌که خانواده‌ها تعهد بدهند که فرزندانشان در مدرسه حضور یابند و واکسینه شوند. اگر فرزندان خانواده از تعداد غیبت مجاز مدارس بیشتر غیبت کنند، از برنامه حمایت خانواده خارج می‌شوند و حمایت از آن‌ها به حالت تعلیق درمی‌آید. این برنامه تلاش می‌کند تا با پرداخت مستقیم پول نقد، به‌صورت کوتاه‌مدت و درازمدت با افزایش سرمایه انسانی در میان فقرا از طریق انتقال مشروط پول نقد، فقر را کاهش دهد. همچنین تلاش می‌کند تا آموزش‌های رایگان را برای کودکانی که نمی‌توانند به مدرسه بروند، فراهم کند (Bolsa Família Program, 2012). نشریه اکونومیست، بلسا فامیلیا را به‌عنوان طرح ضد فقر اختراع شده در آمریکای لاتین معرفی کرده است که قابل اجرا در سراسر جهان است (economist, 2008). این برنامه یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های سیاسی اجتماعی لولا دا سیلوا بود که در پیروزی او در انتخابات سال ۲۰۰۶ نقش مهمی ایفا کرد (Monte Reel, 2006). بلسا فامیلیا در زمان شروع اجرایش بزرگ‌ترین برنامه پرداخت پول نقد مشروط در جهان بود (Bolsa Família, 2007). برنامه بلسا فامیلیا به‌عنوان یکی از عوامل کاهش فقر در برزیل شناخته می‌شود؛ یعنی کاهش ۲۷٫۷ درصدی در دوره اول ریاست‌جمهوری لولا داسیلوا (Brandão, 2007). براساس مطالعه مرکز مطالعات سیاسی بنیاد گتولیو وارگاس در سال ۲۰۰۶، تعداد افراد فقیر در برزیل بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ کاهش محسوسی یافته است (terra, 2006) و حدود ۱۲ میلیون خانواده برزیلی کمک مالی از بلسا فامیلیا دریافت کرده‌اند (Duffy, 2010). تا فوریه ۲۰۱۱، ۲۶ درصد از جمعیت برزیل تحت پوشش این برنامه بود (Provost, 2011)؛ اما سابقه این برنامه به برنامه کمک‌هزینه مدرسه^۳ بازمی‌گردد. برنامه کمک‌هزینه مدرسه با پیش‌قدمی کریستوام بوارک^۴ فرماندار ناحیه فدرال برزیل بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ و سناتور این ایالت در سال ۲۰۰۳ و وزیر آموزش دولت اول لولا بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ پایه گذاشته شد. کمی بعد، دیگر شهرداری‌ها و ایالت‌ها برنامه‌های مشابه را تصویب کردند. رئیس‌جمهور فرناندو کاردوزو بعداً این برنامه را به یک برنامه فدرال تبدیل کرد. در سال ۲۰۰۳ میلادی لولا داسیلوا با ترکیب کردن برنامه کمک‌هزینه

1 Ministry of Social Development and Fight against Hunger

2 Bolsa Familia

3 . Bolsa Escola

4. Cristovam Buarque

مدرسه با برنامه سبد غذایی^۱ و کارت غذایی^۲ (همه قسمت‌هایی از برنامه گرسنگی صفر لولا داسیلوا) و کمک گازی گاز برای جبران پایان‌دادن به یارانه‌های گاز فدرال) برنامه کمک‌هزینه خانواده را ایجاد کرد. این موضوع همچنین به معنای ایجاد یک وزارت جدید به نام وزارت توسعه اجتماعی و مبارزه با گرسنگی بود. این ادغام هزینه‌های اداری، پیچیدگی‌های بوروکراتیک را برای خانواده‌های درگیر و مدیریت را کاهش داد. در کوتاه‌مدت هدف برنامه بلسا فامیلیا، کاهش مشکلات ناشی از فقر و در بلندمدت سرمایه‌گذاری بر روی سرمایه انسانی و قطع چرخه فقر میان‌نسلی است. بلسا فامیلیا به خانواده‌هایی با درآمد سرانه ماهیانه کمتر از ۱۴۰ رئال برزیل (خط فقر، \$ ۵۶ USD) مبلغ ماهانه ۳۲ رئال برزیل (۱۳ دلار آمریکا)، به هر کودک واکسینه‌شده زیر ۱۶ سال که در مدرسه حضور یابد (حداکثر ۵ نفر)، و ۳۸ رئال برزیل (معادل ۱۵ دلار) برای هر جوان (۱۶ یا ۱۷ ساله) که در مدرسه حضور یابد (حداکثر تا دو نفر)، علاوه بر این، به خانواده‌هایی که درآمد ماهانه سرانه کمتر از ۷۰ رئال برزیل (خط فقر شدید، \$ ۲۸ دلار)، این برنامه مزایای اساسی ۷۰ رئال برزیل در هر ماه می‌دهد (Decree, 2012). این پول با کارت‌های شهروندی که به خانواده داده می‌شود، به سرپرست زن خانوار پرداخت می‌شود. این کارت مانند کارت اعتباری عمل می‌کند و توسط بانک پس‌انداز فدرال^۳ که یک بانک پس‌انداز بزرگ و دومین بانک بزرگ دولتی برزیل است، صادر می‌شود. این پول را می‌توان در بیش از ۱۴۰۰۰ صندوق در سطح کشور برداشت کرد. این روش کمک می‌کند تا فساد به واسطه دریافت پول که از احزاب و سیاستمداران است و یک مشکل قدیمی در برزیل است، کاهش یابد (Lindert, 2007). اسامی افرادی که در این برنامه ثبت‌نام کرده‌اند و مبلغی که به آن‌ها داده می‌شود در وب سایت شفافیت به نشانی www.transparencia.gov.br قابل مشاهده است. بلسا فامیلیا با ایجاد یک برنامه تحت کنترل حکومت اجرایی ملی، هرج‌ومرج درونی بوروکراتیک را حل کرد و کاهش هزینه‌های اداری و دسترسی به مردم شد. نظرسنجی‌های انجام‌شده توسط دولت فدرال در میان ذینفعان نشان می‌دهد که پول دریافت‌شده به ترتیب برای مواد غذایی، لوازم مدرسه، لباس و کفش مصرف شده است. یک مطالعه انجام‌شده توسط دانشگاه فدرال پیرامبوکو در میان افرادی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، نشان می‌دهد که ۸۷ درصد از پول دریافت‌شده برای خرید مواد غذایی استفاده می‌شود. حضور دانش‌آموزان در کلاس‌ها دو ماهانه توسط وزارت آموزش و وزارت توسعه اجتماعی و مبارزه با گرسنگی نظارت می‌شود. خانواده‌ای که با پنج بار متوالی غیبت کند، دریافت مستمری خود را به‌طور دائم لغو کرده است. در سال ۲۰۰۶، تخمین زده می‌شود بلسا فامیلیا که حدود ۰,۵٪ از تولید ناخالص داخلی برزیل و حدود ۲,۵٪ کل هزینه‌های دولت را شامل می‌شود، این میزان حدود ۱۱,۲ میلیون خانواده یا حدود ۴۴ میلیون برزیلی را شامل می‌شود (Lindert, 2006). واکنش نهادهای جهانی به بلسا فامیلیا به‌طور کلی مشتاقانه و مثبت بوده است. پل ولفوویتز^۴، رئیس وقت بانک جهانی، طی سفری که به برزیل در سال ۲۰۰۵ داشت، ضمن تمجید از این طرح، بلسا فامیلیا را به‌عنوان یک مدل قابل‌ستایش از سیاست‌های اجتماعی مؤثر معرفی و تأکید کرد که دولت‌های مختلف جهان ضمن استفاده از این تجربه برزیل به دنبال تولید برنامه‌های مشابه برای کشورهای خود هستند. براساس تحقیقاتی که توسط برخی

1. Bolsa Alimentação

2. Cartão Alimentação

3. Caixa Econômica Federal

4 Paul Wolfowitz

از دانشگاه‌ها و مؤسسه جغرافیا و آمار برزیل (IBGE) انجام شده است، این برنامه به‌وضوح به بهبود در مبارزه با فقر در برزیل کمک کرده است. طی هشت سالی که لولا داسیلوا رئیس‌جمهور برزیل بود، تقریباً بیست میلیون نفر که در صد سال اخیر در فقر شدیدی زندگی می‌کردند، از این فقر شدید رهایی یافتند (آرتین، ۱۳۸۹). بانک جهانی که برای کمک به دولت برزیل در مدیریت برنامه بلسا فامیلیا به این کشور وام داده است، اعلام می‌کند که این برنامه نسبتاً جوان است؛ اما با این حال برخی از نتایج مانند کمک به پیشرفت آموزش، تأثیر بر رشد کودکان، مصرف مواد غذایی و کیفیت رژیم غذایی آشکار شده است (worldbank, 2005). یک مطالعه مرکز سیاست بین‌الملل برای رشد فراگیر^۱ برنامه عمران ملل متحد^۲ نشان داد که بیش از هشتاد درصد از مزایای بلسا فامیلیا به خانواده‌های فقیر (که کمتر از نصف حداقل دستمزد سرانه را دارند) می‌رسد؛ در واقع بر اساس این پژوهش اکثر مزایای طرح به فقرا می‌رسد (ipc-undp, 2019). بلسا فامیلیا عامل حدود بیست درصد کاهش نابرابری در برزیل از سال ۲۰۰۱ است. تحقیقاتی که توسط بانک جهانی انجام شد، نشان داد که در میان کودکانی که از برنامه بلسا فامیلیا بهره‌مند شده‌اند، کاهش قابل توجهی در استنمار کودکان کار به وجود آمده است (Yoon-Tien, 2001). یک اثر مثبت برنامه که بلافاصله آشکار شد، تأثیر قابل توجه بر تغذیه فقیرترین خانواده‌ها بود. کودکان در مدارس دولتی روزانه یک وعده و در مناطق فقیرتر دو وعده غذایی رایگان دریافت می‌کنند که خود نوعی کمک به کاهش هزینه خانواده‌های فقیر است. در یک بررسی از افراد تحت پوشش بلسا فامیلیا مشخص شد که تغذیه ۸۲٫۴ این افراد بهتر شده است؛ علاوه بر آن درآمد خانواده‌های فقیر حدود ۲۵٪ افزایش یافته است (ipfs, 2019).

۲-۶ برنامه مبارزه با گرسنگی

لولا برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی خود را در قبال شعارهای تبلیغاتی خود و بعد از انتخابات قرار داد. از همان ابتدا برنامه پیشرو وی، ریشه‌کن کردن گرسنگی بود؛ به‌ویژه پس از هدایت پروژه‌هایی که قبلاً توسط دولت فرناندو هنری کاردوزو اجرا شده بود، توسط برنامه جدید گرسنگی صفر^۳ گسترش یافت (Kirksey, 2006). برنامه گرسنگی صفر در سال ۲۰۰۳ و پس از پیروزی لولا داسیلوا در انتخابات توسط وی معرفی گردید که هدف آن ریشه‌کن کردن گرسنگی و فقر شدید در برزیل بود. این برنامه توسط وزارت توسعه اجتماعی و مبارزه با گرسنگی^۴ هماهنگ شده است و قصد دارد تا استراتژی دولت را برای تضمین حق دسترسی به غذاهای اساسی اجرا کند. برنامه‌هایی مانند کمک مالی مستقیم به فقیرترین خانواده‌ها، ایجاد مخازن آب در مناطق نیمه‌خشک برزیل، ایجاد رستوران‌های ارزان، آموزش مردم درباره عادات سالم غذایی، توزیع ویتامین‌ها و مکمل‌های آهن، حمایت از معیشت خانواده‌های کشاورز با دسترسی به وام‌های کوچک در قالب برنامه مبارزه با گرسنگی به اجرا درآمد. برنامه گرسنگی صفر بزرگ‌ترین ابتکار دولت برزیل برای مبارزه با گرسنگی در تاریخ این کشور است که براساس برنامه‌های مشابه دولت‌های قبلی برنامه‌ریزی شد و به اجرا درآمد. برطبق تحقیقاتی که برخی از دانشگاه‌ها و مؤسسه جغرافیا و آمار برزیل^۵ (IBGE) انجام داده‌اند، این برنامه به مبارزه علیه فقر

¹ International Policy Centre for Inclusive Growth

² United Nations Development Programme

³ Fome Zero

⁴ Ministry of Social Development and Fight against Hunger

⁵ Brazilian Institute of Geography and Statistics (IBGE)

در برزیل کمک کرده است. یک ارزیابی پیشین‌سنجی از بلسا فامیلیا، اثرات قابل توجهی را در هر دو مورد میزان حضور در مدارس و تعداد کودکان درگیر در پدیدهٔ کودکان کار یافت (RUBIO, 2003). برای اندازه‌گیری میزان گرسنگی و فقر غذایی در کشورها شاخص جهانی گرسنگی^۱ تعریف شده است و هر ساله توسط پژوهشگاه بین‌المللی سیاست‌گذاری غذایی^۲ محاسبه می‌شود. این شاخص از ترکیب نماگر سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد که هر ساله دربارهٔ میزان کم غذایی منتشر می‌شود و نماگرهای کم‌وزنی و مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال به دست می‌آید. این شاخص ماهیت چندبعدی گرسنگی را به‌طور مناسبی نشان می‌دهد. شاخص جهانی گرسنگی کشورها را براساس مقیاس صفر تا صد رتبه‌بندی می‌نماید. کشوری با شاخص صفر در حالت نبود گرسنگی و با امتیاز صد در بدترین حالت گرسنگی قرار دارد (خیرخواهان، ۱۳۹۳). در حال حاضر و براساس آخرین آمار سال ۲۰۱۷ میلادی شاخص گرسنگی در برزیل عدد ۵،۴۰ است. این درحالی است که این رقم در سال ۱۹۹۰ در اوج خود یعنی عدد ۱۸،۲۰ قرار داشته است؛ درحالی‌که شاخص گرسنگی در سال ۲۰۰۰ میلادی رقم ۱۱،۷۰ و در سال آغاز ریاست‌جمهوری لولا رقم ۵،۴۳ بوده است. این شاخص در سال پایان ریاست‌جمهوری لولا داسیلوا به عدد پنج رسیده است (knoema, 2017). این تغییر محسوس شاخص گرسنگی نشان می‌دهد برنامه‌های لولا داسیلوا در مبارزه با گرسنگی با موفقیت همراه بوده است.

۳-۶ برنامهٔ رشد پرشتاب^۳

برنامهٔ رشد پرشتاب که بیشتر با عنوان PAC شناخته می‌شود، یک برنامهٔ زیربنایی اصلی دولت فدرال برزیل است. این برنامه در تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۰۷ توسط دولت لولا داسیلوا آغاز شد و شامل مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی و پروژه‌های سرمایه‌گذاری در حوزه‌های بهداشت، مسکن، حمل‌ونقل، انرژی و منابع آب با هدف تسریع رشد اقتصادی در برزیل بود. این برنامه دارای بودجهٔ ۵۰۳،۹ میلیارد رئال برزیل برای دورهٔ چهارسالهٔ ۲۰۰۷-۲۰۱۰ بود. دولت دیلما روسف برنامهٔ تحت نام PAC-2 را ادامه داده است. برنامهٔ رشد پرشتاب، سرمایه‌گذاری‌های دولت فدرال، شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی را در زمینه ساخت‌وساز، بهداشت، مسکن، حمل‌ونقل، انرژی و لجستیک پیش‌بینی نموده بود (RIBEIRO, 2012). اهداف برنامهٔ رشد پرشتاب عبارت‌اند از:

- سرعت‌بخشیدن به رشد اقتصادی؛
- افزایش اشتغال و درآمد؛
- کاهش نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای؛
- تقویت کردن پایه‌های کلان اقتصادی.

اقدامات برنامهٔ رشد پرشتاب در پنج بلوک مختلف سازمان‌دهی شده‌اند:

- (۱) اعتبار و انگیزه‌های مالی؛
- (۲) ارتقا فضای سرمایه‌گذاری: از بین بردن موانع؛

¹ Global Hunger Index

² International Food Policy Research Institute (IFPRI)

³ Growth Acceleration Program-Programa de Aceleração do Crescimento (PAC)

۳) بهسازی سیستم مالیاتی؛

۴) اقدامات مالیاتی بلندمدت؛

۵) سرمایه‌گذاری در حوزه زیرساخت.

این برنامه در مرحله اول (۲۰۰۷-۲۰۱۰) به صورت مشهود در افزایش عرضه مشاغل و تولید درآمد در برزیل مؤثر بود؛ در حالی که نرخ بیکاری در سال ۲۰۰۳ یعنی در سال آغازین دولت لولا داسیلوا رقم ۱۲,۶ بوده است، در سال پایانی دولت هشت‌ساله وی یعنی در سال ۲۰۱۱ به رقم ۶,۰ کاهش یافته است (IBGE, 2015).

۷- نتیجه‌گیری

لولا داسیلوا با تشکیل یک دولت توسعه‌گرا و تعریف برنامه‌های هدفمند اقتصادی و اجتماعی توانست تغییر محسوس در شاخص توسعه انسانی برزیل ایجاد کند و سطح زندگی مردم این کشور را ارتقا دهد. برنامه‌هایی مانند برنامه‌های سبد خانواده، مبارزه با گرسنگی و رشد پرشتاب، در مجموع سبب گردید تا شاخصه‌های توسعه انسانی یعنی زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب تغییر محسوس کنند. برنامه سبد خانواده یا بلسا فامیلیا و برنامه مبارزه با گرسنگی علاوه بر مبارزه با فقر، ارتقای سطح زندگی و بالابردن سن امید به زندگی با توجه به تأکیدی که بر لزوم تحصیل فرزندان خانواده‌های تحت پوشش خود داشت، زمینه‌ساز بالابردن سطح دسترسی به دانش و سواد در جامعه برزیل به‌ویژه در میان اقشار فقیر و کم‌درآمد شد. این برنامه به‌طور چشم‌گیری تعداد فقرای برزیلی را کاهش داد و تأثیر مشهودی بر پیشرفت آموزش، رشد کودکان، مصرف مواد غذایی و کیفیت رژیم غذایی مردم برزیل، به‌ویژه فقرا داشت. سیاست‌های وی زمینه‌ساز کاهش فاصله طبقاتی و ایجاد عدالت اجتماعی شد. ضریب جینی در برزیل در سال‌های ریاست جمهوری لولا داسیلوا از رقم ۵۷,۶۰ در سال ۲۰۰۳ با تغییری محسوس به ۵۲,۹۰ در سال ۲۰۱۱ رسیده است. در واقع براساس این آمار توزیع ثروت در این سال‌ها عادلانه‌تر و اختلاف طبقاتی کمتر شده است. برنامه رشد پرشتاب نیز همان‌طور که در اهداف چهارگانه آن پیش‌بینی شده بود، علاوه بر کاهش محسوس بیکاری در برزیل نقش مؤثری در سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و درآمد، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای و تقویت پایه‌های کلان اقتصادی برزیل داشت؛ موضوعاتی که در این مقاله با استناد به آمار و ارقام ثابت گردید. براساس آمار صندوق بین‌المللی پول، در حالی که پیش از ریاست جمهوری لولا داسیلوا در سال ۲۰۰۲ میلادی، این کشور براساس تولید ناخالص داخلی در رتبه نهم اقتصاد جهان قرار داشته است، در سال ۲۰۱۱ با دو پله ارتقا به رتبه هفتم رسید. در مجموع دوران ریاست جمهوری لولا داسیلوا یکی از بهترین دوران‌های سیاسی و اقتصادی برزیل بوده است. افزایش حدود سه برابری تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ملی، افزایش ذخایر ارزی برزیل در حدود سه برابر و افزایش دو برابری ارزش پول برزیل برخی از این دستاوردهاست؛ در واقع لولا داسیلوا با اتکا به برنامه‌های هدفمندی که در قالب دولت توسعه‌گرای خود به اجرا درآورد، توانست گام بلندی برای توسعه همه‌جانبه برزیل بردارد. رشد محسوس شاخص توسعه انسانی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های سنجش توسعه کشورها در دوران لولا داسیلوا گواهی بر این مدعاست. شاخص توسعه انسانی برزیل در

دوران لولا داسیلوا ۰,۳۶, واحد رشد داشته است و برای اولین بار کشور برزیل از سطح کشورهای با توسعه انسانی متوسط به سطح کشورهای با توسعه انسانی بالا ارتقا یافته است.

منابع

- ۱) افشارکهن، جواد (۱۳۸۸)، «دولت و توسعه: نقد و بررسی کتاب «توسعه دولت محور»، سیاست - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲، ۳۷۳-۳۸۱.
- ۲) اکبری، محمدرضا (۱۳۹۶/۶/۲۷)، «از شاخص توسعه انسانی چه می‌دانیم؟»، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۱۴۷.
- ۳) اونز، پیتر؛ زندباف، عباس؛ مخبر، عباس (۱۳۸۰)، توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، طرح نو زبان.
- ۴) آرتین (۱۳۹۲/۳/۸)، «گزارش از روند رشد اقتصادی برزیل، لولا داسیلوا قهرمان مبارزه با بی‌عدالتی»، روزنامه ایران.
- ۵) آقامحمد زنجانی، مهدی؛ مقیسه، محسن (۱۳۹۷)، «الگوی راهبردی حمایت از تولید، تجربه دولت برزیل»، دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهش‌های اقتصادی، کد موضوعی: ۲۲۰، شماره مسلسل: ۱۶۰۵۴.
- ۶) تودارو، مایکل (۱۳۹۱)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، غلامعلی فرجاد، کوهسار.
- ۷) تیموری، سید رحیم (۱۳۹۷)، فراسوی دولت‌های توسعه‌گرا: تحلیل جامعه‌شناختی بر پیدایی دولت توسعه‌گرای جدید، مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری.
- ۸) ثمودی، علیرضا (۱۳۸۹/۷/۲۱)، «میراث لولا برای آمریکای لاتین»، روزنامه جام جم، شماره ۲۹۶۷.
- ۹) جهانیان، ناصر (۱۳۷۷)، «تحول مفهوم توسعه و ارتباط آن با دین»، قبسات، بهار، شماره ۷.
- ۱۰) خیرخواهان، جعفر؛ عظیمی مروی، رضا؛ زمان، میلاد (۱۳۹۳)، «نگاهی به شاخص جهانی گرسنگی و وضعیت ایران»، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت رفاه و امور اجتماعی، www.mcls.gov.ir.
- ۱۱) دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
- ۱۲) روشا، گیزاماریا؛ طارمی، کامران (بهمن و اسفند ۱۳۸۳)، «وابستگی جدید در برزیل»، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۰، ۲۸-۴۳.
- ۱۳) سوری، غلام عباس؛ خیشوند، مراد (۱۳۸۲)، «توسعه و توسعه‌نیافتگی»، تعاون، فروردین، شماره ۱۳۹.
- ۱۴) سید قاضی، میرسعید؛ علیرضا، تاج‌آبادی، حسین (۱۳۹۵)، «مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)»، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۴۲، شماره ۳، پاییز.
- ۱۵) طزری، تقی؛ علمدار آقا کریم؛ ایمان؛ یوسف بیگی، محمدحسین (۱۳۹۵)، «گزارش شاخص جهانی گرسنگی و وضعیت ایران در سال ۲۰۱۵»، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، www.mcls.gov.ir.
- ۱۶) عباسی سورشجاعی، علیرضا (۱۳۸۵)، «توسعه و توسعه‌یافتگی»، توسعه مدیریت، شماره ۷۲.
- ۱۷) عباسی، مهدی (۱۳۸۵)، «دولت توسعه‌خواه در ایران الگویی برای مطالعه موانع توسعه در ایران»، فرهنگ اندیشه،

سال پنجم، پاییز، شماره ۱۹.

- ۱۸) علوی، سید اسحاق؛ عربی، سید هادی (۱۳۹۲)، کلیات علم اقتصاد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
- ۱۹) علیخانی، سلیمه محمد؛ آصفزاده، سعید؛ محبی‌فر، رفعت؛ منتظری، علی (۱۳۹۱)، «بررسی شاخص توسعه انسانی HDI در ایران و کشورهای منتخب»، فصلنامه پایش، سال یازدهم، شماره چهارم، مرداد - شهریور.
- ۲۰) علیخانی، سلیمه محمد؛ آصفزاده، سعید؛ محبی‌فر، رفعت؛ منتظری، علی (شهریور ۱۳۹۱)، «بررسی شاخص توسعه انسانی HDI در ایران و کشورهای منتخب»، فصلنامه پایش، سال یازدهم، شماره چهارم مرداد، ۴۱۵-۴۲۳.
- ۲۱) عمید، حسن (۱۳۹۴)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.
- ۲۲) فالحی، احسان؛ امیدی، علی (۱۳۹۶)، «دامنه تغییر و تداوم سیاست خارجی توسعه‌گرایانه چین در دوران شی جین پینگ»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال نهم، شماره یک.
- ۲۳) فلاح‌زاده، حسین؛ هادیان، الهام (۱۳۸۵)، «مقایسه امید به زندگی در مردان و زنان استان یزد در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۲»، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، دوره چهاردهم، شماره چهارم، زمستان.
- ۲۴) فلاح، فیروز (۱۳۷۶)، «رابطه فرهنگ سیاسی و توسعه»، کیهان فرهنگی، فروردین و اردیبهشت، شماره ۱۳۲.
- ۲۵) فلین، شون (۱۳۹۴)، اقتصاد به زبان ساده، ترجمه علی فروزفر، تهران: مبلغان.
- ۲۶) کوثری، مسعود (۱۳۸۷)، «تأثیر نسبی فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در توسعه اجتماعی»، فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات.
- ۲۷) لفت ویچ، آدریان؛ افشارکهن، جواد (۱۳۸۵)، دولت‌های توسعه‌گرا: «پیرامون اهمیت سیاست در توسعه»، ناشر: مرندیز، نی‌نگار.
- ۲۸) مسجدی، فرخ (۱۳۸۱)، «سنجش توسعه‌یافتگی کشورها»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۰.
- ۲۹) موثقی، سید احمد؛ کاهه، علی‌رضا (۱۳۹۴)، «دولت توسعه‌خواه و زمینه‌های توسعه در ایران»، فصلنامه سیاست، زمستان، دوره چهل و پنجم، شماره ۴.
- ۳۰) میرجلیلی، سید حسین (۱۳۸۵)، «سواد اطلاعاتی نگاهی به تحول مفهوم سواد در عصر اطلاعات»، کتاب سال هفدهم، بهار، شماره ۱.
- ۳۱) میرترابی، سعید؛ نوربخش، بهمن؛ ساری اصلانی، مهتاب (۱۳۹۵)، «علل قابلیت‌های متفاوت دولت‌های توسعه‌گرا و رانتیر در کمک به روند توسعه»، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، سال اول، شماره دوم.
- ۳۲) میرترابی، سعید؛ نوربخش، بهمن؛ ساری اصلانی، مهتاب (۱۳۹۵)، «علل قابلیت‌های متفاوت دولت‌های توسعه‌گرا و رانتیر در کمک به روند توسعه»، شناسنامه علمی شماره، دوره ۱، شماره ۲.
- ۳۳) نیسی، عبدالکاظم (۱۳۸۹)، «شاخص توسعه انسانی در استان‌های ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم بهداشتی، سال ۲، شماره ۲.

- De R\$ 504 Bi Até 2010 Folha De S.Paulo. Retrieved On 2012-03-29.Available At:Www.Worldbank.Org
- 35) Basic Income In Brazil Available At: <https://ipfs.io>
- 36) Ben Ross Schneider,The Developmental State In Brazil:Comparative And Historical Perspectives, *Revista De Economia Política*, Vol 35, N° 1 (138), Pp 114-132 Janeiro-Março/2015
- 37) Bolsa Família: Changing The Lives Of Millions In Brazil, The World Bank, Aug/22/2007 Available At:Www.Worldbank.Org
- 38) BRANDÃO JR., Nilson Brandão E ARAGÃO, Marianna. Miséria No Brasil Cai 27,7% No 1º Mandato De Lula, *Economia E Negócios, O Estado De S. Paulo*, 20/09/2007, P. B14
- 39) Brazil Life Expectancy At Birth
<https://Countryeconomy.Com/Demography/Life-Expectancy/Brazil>
- 40) Brazil: Bolsa Familia Program – Scaling-Up Cash Transfers For The Poorauthor: Kathy Lindert, Senior Economist, LCSHS - World Bank Mfdr Principles In Action: Sourcebook On Emerging Good Practices, The World Bank, February 16, 2006
- 41) Brazil: Life Expectancy At Birth From 2006 To 2016
<https://Www.Statista.Com/Statistics/254318/Life-Expectancy-At-Birth-In-Brazil/>
- 42) Brazil's Bolsa Familia Program Celebrates Progress In Lifting Families Out Of Poverty,Available At:Web.Worldbank.Org
- 43) Brazil Population2020, available at: www.worldometers.info/world-population/brazil-population/Brazil-Population-2020
- 44) Chakravarthi (Emperor) New Method Of Calculation Of Human Development Index (HDI)". India Study Channel. 2011-06-01. Retrieved 2017-11-19.
- 45) Decree N° 5.209, De 17 De Setembro De 2004 – Regulates A Law-010.836-2004 – Bolsa Família Program. Archived October 29, 2012, At The Wayback Machine Available At: Www.Dji.Com.Br
- 46) Duffy, Gary (25 May 2010). "Family Friendly: Brazil's Scheme To Tackle Poverty". BBC News.
- 47) Education Index.<http://Hdr.Undp.Org/En/Indicators/103706>
- 48) European Review Of Latin American And Caribbean Studies. No. 94 (2013) April, Pp. 103-115. Political Participation Of Civil Society In Latin America, Peadar Kirby
- 49) FGV Divulga Estudo Mostrando Redução Da Miséria,Available At: Www.Terra.Com.Br
- 50) Foreign Direct Investment, Net Inflows (Bop, Current US\$) – Brazil
<https://Data.Worldbank.Org/Indicator/BX.KLT.DINV.CD.WD?Locations=BR>
- 51) Gabriel Garcia, 'Brazil's Economic Success: Between The Classic And The New Developmental State Models' (Paper Presented At The Legal Intersections Research Centre Seminar: Te Critical Turn In Law And Development In Latin America: A Review Of The Current State Of Affairs (2000-2013), Wollongong, Australia, 23 Oct 2013).
- 52) Global Hunger Index, Available At:<https://Knoema.Com/GHI2017/Global-Hunger-Index?Tsid=1012950>
- 53) GROWTH ACCELERATION PROGRAM. PAC. THE FEDERAL GOVERNMENT INVESTS IN GREATER GROWTH FOR BRAZIL 2007 – 2010 BRAZIL New Development Cycle New Investment Opportunities In Infrastructure
- 54) Happy Families,Available At: Www.Economist.Com.
- 55) Human Development Index Trends 1990-2017,Available At: [Http://Hdr.Undp.Org/En/Composite/Trends](http://Hdr.Undp.Org/En/Composite/Trends)
- 56) IBGE (Março De 2002 A Maio De 2015). «Tabela 2176 - Taxa De Desocupação Na Semana De Referência, Das Pessoas De 10 Anos Ou Mais De Idade Por Sexo». IBGE. Consultado Em 10 De Julho De 2015.
- 57) IPC IG - International Policy Centre For Inclusive Growth - IPC". Www.Ipc-Undp.Org.
- 58) Judit Ricz Developmental State In Brazil: Past,Present And Future, 2 9 OC 2 0 1 4 ,Institute Of World Economics, Centre For Economic And Regional Studies Of The Hungarian Academy Of Sciences
- 59) Kathryn Hochstetler &Alfred P. Montero,Pages 1484-1499 | Accepted 01 Apr 2013, Published Online: 17 Jul 2013
- 60) Kathy, Lindert,; Anja, Linder,; Jason, Hobbs,; La, Briere, Benedicte De (2007-05-01). "The Nuts And Bolts Of Brazil's Bolsa Familia Program : Implementing Conditional Cash Transfers In A

Decentralized Context

- 61) Kirksey, Emily,(2006),"Lula – Brazil's Lost Leader",Council On Hemispheric Affairs, Retrieved 5 April 2008.
- 62) Literate Brazil Programme (Programa Brasil Alfabetizado, PBA) Available At: [Http://Litbase.Uil.Unesco.Org/?Menu=8&Programme=50](http://Litbase.Uil.Unesco.Org/?Menu=8&Programme=50)
- 63) Luiz Inácio Lula Da Silva Available At: Www.Cidob.Org/Biografias_Lideres_Politicos/America_Del_Sur/Brasil/Luiz_Inacio_Lula_Da_Silva#1
- 64) Monte Reel "Cash Aid Program Bolsters Lula's Reelection Prospects". The Washington Post. 2006-10-29. Available At: Www.Washingtonpost.Com
- 65) Provost, Claire, (21 February 2011). "Social Security Is Necessary And Globally Affordable, Says UN". The Guardian. London.
- 66) Remain In Goal To End Poverty By 2030”,(2015) Available At: Www.Worldbank.Org. Retrieved 6 October 2015.
- 67) RUBIO ,Laura B. E, Gloria M. Evaluating The Impact Of Conditional Cash Transfer Programs - Lessons From Latin America, Volume 1, World Bank Policy Research Working Paper 3119, August 2003, The World Bank, 2003.
- 68) The Renewed Developmental State: The National Development Bank And The Brazil Model
- 69) World Bank Forecasts Global Poverty To Fall Below 10% For First Time; Major Hurdles
- 70) World Economic Outlook Database" International Monetary Fund. April 2018: [Http://Www.Imf.Org](http://Www.Imf.Org)
- 71) World Economic Outlook Database". International Monetary Fund. 17 April 2018 Available At: Www.Imf.Org
- 72) YAP, Yoon-Tien, Guilherme Sedlacek And Peter Orazem. 2001. Limiting Child Labor Through Behavior-Based Income Transfers: An Experimental Evaluation Of The PETI Program In Rural Brazil. World Bank, Washington, DC